

تقاریر

شماره هشتم

شهریور ۱۳۰۷

سال اول

قلم رسول نخبی

نسل آینده ایران

ژنی های گم گشته ما

مدهاست باین نکته پی برده اند که در میان يك ملتى بتناسب عدۀ نفوس آن يك عدۀ اشخاص با استعداد در هر دوره از زندگانی اجتماعى آن بعرضۀ وجود میابند؛ این اشخاص از مردمان فوق العادۀ دنیا محسوب میشوند و بواسطۀ بروز و ظهور اعمال یا افکار خارق العادۀ از اینها از نوادردوران بشمار میروند.

کسى نمیتواند این اشخاص را بشناسد و نمى داند در میان کدام عائله یا خانواده قدم بعرضۀ وجود گذاشته اند و هر يك دارای چه استعدادى نادر و فوق العادۀ میباشد حتی اولیای آنها نیز در صفات ذاتى و قوای فوق العادۀ آنها بی اطلاعند ولى اگر آن ملت چنان بد بخت باشند که وسائل بروز و ظهور استعدادى ذاتى اولاد مستعد خویش را نشناسد بدون اینکه از استعداد ذاتى آنها برخوردار گردند و یا علائمی از آنها ظاهر گردد بعد از چندى میگذرند و با درك هم آغوش میگردند.

اما اگر وسایل رشد و نمو این قوای ذاتى و استعداد های فطرى فوق العادۀ قبلاً آماده شده باشد بروز و ظهور این اشخاص حتمى است و همه کس به آسانی میتواند آنها را بشناسد و برای آنها نیز زمینۀ بروز لیاقت و استعداد بخوبى فراهم است و بهتر میتوانند بجمال ملت خود مفید باشند.

اگر باوضاع و احوال ملل مترقی آشنا باشید بهتر خواهید دانست که در میان ملتی که اسباب و وسایل رشد و نمو قوای ذاتی بشری سهولت و آسانی و وسعت فراهم گردیده این مردان برجسته نادر نیز نسبتاً بیشترند و بواسطه همین اشخاص اوضاع سیاسی و اجتماعی آنها نیز به تناسب از سایرین بهتر است .

اما همینکه وسایل و اسباب رشد و نمو قوای ذاتی يك قومی برای اولاد آن قوم بدین فرق طبقاتی سهولت و وسعت فراهم گردید از این نوائج که هر ملتی بتناسب نفوس خود قسمت معینی دارد فراوان خواهد داشت که با از بین رفتن یکی در تن از آنها تزلزلی در ارکان ملیت آن رخ نهد و سعادت‌هایی را که در تحت سرپرستی یکی دوتن از آنها بدان نایل شده اند از دست ندهند و عده باشند که در حفظ و نگاهداری و ترقی و وسعت آنها بکوشند و سعادت‌های دیگری غیر از آنهائیکه دارا بودند برسند و در دنیا باقی باشند .

۵۰۸

باید دید و فهمید که سبب بقای يك ملتی چیست ؟ آیا جز قوه فهم و تمیز میتوان سبب دیگری پیدا کرد ؟ اساساً حق چیست ؟ برای حق حیات يك ملتی میتوان جز قوت و قدرت چیز دیگری پیدا کرد ؟ بنظر من قوت بشر میزان حق اوست همینطور قدرت و توانائی يك ملتی نیز میزان حق آنست اما این قدرت و توانائی از کجا تولید میشود ؟ هزار دلیل و برهان از فهم و دانش بشر پس قدرت و توانائی و حق حیات يك ملتی نتیجه فهم و دانش آن ملت است و بقای آن نیز مربوط بمیزان فهم و دانشی است که در میان آن ملت رواج دارد

فرض کنید در يك قوم وحشی که از آثار تمدن امروزی نشانی در آنها پیدا نمیشود حوادث طوری پیش آمد کنند که اصول تعلیم و تربیت بین اولاد آنها برقرار گردد بدون شك این اطفال که مردان آتیه آن قوم خواهند بود بمراتب امور زندگی شان را بهتر از اجداد خود ترتیب خواهند داد. فرض عکس آن نیز ممکن است مثلاً اگر يك ملتی که قسمتی از

دوره تمدن را پیموده است دوچار حادثه گردد و استقلال ملی خود را از دست بدهد و در تحت نفوذ مادی و معنوی ملت دیگر واقع شود که از حیث تمدن پست تر از ملت مغلوب است بدون گفتگو سیر قهقرائی را پیش خواهد گرفت .

ملل آسیائی که این اندازه فاقد روح وطن پرستی هستند اگر اولادشان باین صفت متصف گردند و در مکتب وطن پرستی این تعلیم را فرا گیرند باور کشید نیم قرن طول نخواهد کشید که با استقلال تام و حقیقی وطنشان نابل خواهند کردید .

منحصر بروح وطن پرستی نیست هزاران صفات و ملکات فاضله دیگر است که يك ملتی را شایسته و سزاوار زندگانی آبرومند میگرداند بدون خجالت باید اعتراف کرد که آسیائی امروز از آنها عاری است تمام این معایب که وجه وقت اصلاح میشود؟ وقتی که اصول تعلیم و تربیت بمعنای نام و تمام خود دوسر تاسر مملکت آسیائی برقرار گردد و هر ملتی به تعلیم و تربیت صحیح اولاد وطن خویش عمت آمارد اینک موضوع نسل آینده ایران :

تاریخ گذشته ملت ایران پیش هر تاریخ دانی روشن است و حالت حاضر آن نیز لازم بشرح و بیان نیست هر کس اندک قوه تأمل و تفکر و غور داشته باشد میداند امروز ایرانی در چه مرحله از مراحل زندگانی اجتماعی سیر میکند و اگر میزان سیر آن مانند امروز و دیروز است یقیناً فردای آن نیز بدین منوال خواهد بود پس باسانی آتیه نسل آینده ایران را میتوان پیش گوئی کرد دیگر اشکالی ندارد ولی تصور میرود بلکه یقین است مقصود این نیست که ایرانی باز با همان اصول زندگانی یکی دو نسل پیش یا پنجاه سال قبل اداره شود و اصول تعلیم و تربیت آن همان مقیاس قرنهای گذشته باشد .

ممکن است با يك نظر سطحی باوضاع تعلیم و تربیت امروزی خود نظر کنیم و آنها را با یکی دو مملکت خارجی طرف نسبت قرار دهیم و به نتیجه که از آن حاصل میشود قدری دقت کنیم شاید در حقیقت این

رویه که پیش گرفته شده بحال ملت ایران مفید و بهترین وسایل برای رسیدن مقصود است من تصور میکنم اولیای امور ما وقتیکه سه کرور تومان (فرض شود تمام بودجه وزارت معارف را صرف تعلیم و تربیت عمومی میکنند بدون اینکه دیناری از آن صرف مخارج دیگر شود) برای معارف ایران تخصیص می دهند یقین دارند این مبلغ بخودی خود يك مبلغ هنگفتی است البته این يك تصویری است و ممکن است در دماغ های ایرانی هم جریان داشته باشد و پیش خود خیال کنند که تا چند سال پیش بیش از چند تومان آنهم فقط باسم ' صرف معارف ایران نمیشد امروز این مبلغ گزاف که از سر آنها هم زیاد است بخوبی کفایت کند و يك ملتی هم با صرف آن تعلیم و تربیت شود .

هیچ بعید نیست چنین خیالاتی برای همه رجال ایرانی پیش آید ولی هیچوقت باحصائیه های سایر ممالک مراجعه نکرده اند و از میزان مبالغی که صرف معارف میکنند اطلاع ندارند و نمی دانند چه میزان است گمان میکنند صرف يك میلیون و پانصد هزار تومان برای ملت ایران بخوبی آنها را عالم و بصیر و صاحب معلومات علمی و فنی خواهد نمود

فرض کنیم تمام این مبلغ بدون دیناری تفریط صرف تعلیم و تربیت شود تازه در سال بهر نفری بیش از یکقران و دهشاهی نخواهد رسید یعنی با صرف سی شاهی برای تعلیم و تربیت هر قدر ایرانی آنهم در مدت يك سال انتظار داریم يك ملت با سواد و با علم و با معلومات داشته باشیم !

چون احصائیه صحیحی در دست نیست عده نفوس ملت ایران را به سی کرور بلکه به بیست کرور تخمین میزنیم از روی این حساب مجلس ملی ایران برای تعلیم و تربیت هر ایرانی در سال يك قران و ده شاهی تخصیص داده است !

من نمیدانم شاید این مبلغ کافی باشد وقتیکه کفایت میکند بدون تردید در آینده نزدیکی با این مبلغ هنگفت مردمان تحصیل کرده و با سواد و دارای علوم عقلی و نقلی در رأس امور ملی خواهیم داشت .

در ممالک خارجی هر مملکتی بفرخور حال اقتصادی خود در سال از ده الی بیست تومان صرف تعلیم و تربیت افراد خود میکند دولت انگلیس که دارای چهل میلیون نفوس است در سال هشتاد میلیون لیره در بودجه سالیانه خود فقط برای مدارس ابتدائی تخصیص داده است هر نفری در سال دولیره - ولی تمام این هشتاد میلیون صرف مدارس ابتدائی میشود .

حال ما میخوایم اولاد ایرانی تعلیم و تربیت فراگیرند از شما سؤال میکنم با صرف مبلغ سی شاهی در سال چه نوع تعلیم و تربیت می-توانید با اولاد ایرانی بدهید؟

این دنیا مگر دنیای مبارزه نیست؟ آیا نمی خواهید ایرانی نیز داخل در این مبارزه گردد؟ اگر باید ملت ایران زنده بماند و در میدان مبارزه حیات موفقیت حاصل نماید از شما سؤال میکنم با سالی سی شاهی صرف تعلیم و تربیت شاگردان مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی چه نوع مردمان با علم و دانش برای آتیه تهیه خواهید نمود که در این میدان پهناور بتوانند و قادر باشند کلیم خود را از آب بیرون بکشند؟ يك سؤال دیگر:

با این مبلغ قلیل چقدر شاگرد تربیت خواهید نمود؟ عده آنها بالغ بر چه میزان است؟ عده نفرات معلمین چند است؟ چند عدد مدرسه ابتدائی چند عدد مدرسه متوسطه و چند باب مدرسه عالی با این پول افتتاح خواهید کرد؟

اگر مقصود اینکه از صد نفر ده نفر تربیت شود آنهم ناقص باور کنید که هیچ دردی از دردهای ملی شما را علاج نخواهد نمود هرملتی که نودوینج در صد سکنه آن تعلیم و تربیت صحیح فرا نگرفته اند ملت متمدن بشمار نمیرود و قادر بحفظ حقوق ملی خود نیست وطن آن از تجاوز زورمندان ایمن نخواهد بود اگر استقلالی هم دارا باشد هرگز بیقای آن ایمن نتواند بود. مطابق احصائیه اخیری که وزارت معارف ایران در سالنامه خود بیرون داده اگر عده نفوس ملت ایران را ده میلیون فرض کنیم چنانکه

احصائیه فوق ده دو میلیون نوشته است (۱) تازه از ۷۳ نفر ایرانی فقط يك نفر بمدرسه میرود در صورتیکه مطابق احصائیه ذیل که بنظر خوانندگان مبرسد در بعضی ممالک از پنج نفر و در بعضی از شش نفر يك نفر در مدرسه است :

اسم مملکت	عده مدرسه	عده معلم	عده شاگرد	جمعیت مملکت
اطریش	۵۴۳۳	۳۶۳۲۲	۸۸۵۰۸۷	۶ میلیون
هلند	۹۲۹۱	۴۹۶۸۵	۱۳۴۴۵۱۷	۷
بلژیک	۱۴۳۴۹	عده معین نشده	۱۱۸۰۱۰۵	$۷\frac{1}{3}$
ایران	۳۴۳۷	۷۰۵۹	۱۳۷۶۰۶	۱۰ تقریباً

اگر باین احصائیه خوب دقت شود دیده خواهد شد که در مملکت اطریش از هر شش نفر يك نفر در مدرسه مشغول تحصیل است در مملکت هلند تقریباً از هر پنج نفر يك نفر تحصیل میکنند در بلژیک از هر شش نفر يك نفر در مدرسه است در مملکت ایران از هر هفتاد و سه نفر يك نفر در مدرسه میرود این يك احصائیه ساده است باین ترتیب :

اطریش از شش نفر يك نفر تقریبی

هلند « « « « ۵ «

بلژیک « « « « ۶ «

ایران « « « « ۷۳ «

اگر در احصائیه های سکنه ممالک مترقی خوب دقت شود پیداست که يك پنجم یا يك ششم آنها اطفالی هستند که در مدرسه تحصیل میکنند از روی این حساب در میان ملت ایران نیز میبایست دو میلیون یا اقلاً سه کروار اطفال در مدارس باشند که تحصیل کنند در صورتیکه وزارت معارف با تمام جدو جهد و کوشش و جمع آوری عده تمام شاگردان مدارس ابتدائی، متوسطه - عالی و مکتب های سرکنز و طلاب علوم دینی، عقلی و نقلی و تمام شاگردان مدارس دولتی - ملی - خارجی و غیره و غیره همه را که جمع

نموده است تازه کلیه عده آنها از یکصد و سی هفت هزار و شصت و شش نفر تجاوز نمیکنند اگر درست دقت کنید خواهید دید از ۷۳ نفر تنها یک نفر با ترتیب و بودجه حالیه میتواند تحصیل کند حال چه می توان کرد؟ کسی هم مقصر نیست با این مبلغ سه شاهی برای هر نفری آنها برای یکسال تمام بیش از این ممکن نیست، مثلی است معروف هر قدر پول بدهی همان اندازه آتش می خوری .

من میدانم مسئول کیست مسئول هر کس میخواهد باشد با هیئت دولت است یا وزارت معارف یا مجلس شورای ملی لابد یکی از این سه هیئت باید باشد که بفکر اصلاح تعلیم و تربیت ملی ایران باشد اگر غرض از تعلیم و تربیت همین اصل جاری است که تا امروز داشته ایم آن هیچ زحمت ندارد تأمل و فکر کردن هم لازم نیست هر کس با هر اندازه معلومات که دارا باشد میتواند آنها را با ترتیبی که تا امروز جریان داشته اداره نماید دیگر با این ترتیب توده ملت با سواد و معلومات نمیشود چون سایر ممالک بک چنین مؤسسه باس معارف دارند و نیز باس آنها دارا میباشیم حال مثلاً دارای نتیجه نیست باشد اسم آن کافی است مثل اینکه مدت یکصد و سی سال بود ایران دارای وزارت جنگ عربض و طوبلی بود و بک مملکت خارجی نمانده که از آنها دسته های متعدد صاحب منصبان نظامی در درجات عالی نظام بعنوان مشاق و معلم بایران نیامده باشند با این حال در این مدت متمادی بک سرباز به معنای تام و تمام آن در ایران ترتیب نشده حالت حالیه نظام ایران و ترتیب قشون امروزی آن وجود بک عده صاحب منصبان تحصیل کرده مجرب عالم هیچ مربوط بان زمان نیست .

وزارت معارف ما نیز با همان سیرت قدیم پیش می رود شاید چندی نیز همین ترتیب درام داشته باشد آن وقت جبران مافات ممکن نیست چون فرصت نیست .

اگر اولیای امور فراغت داشتند و جراید ملل تازه بدوران رسیده را که در اطراف ایران شروع به نمو و رشد کرده اند و بعضی هم برای آتیه در

حال چنین هستند و در پرورش آنها نیز جدو جهد و دسیسه عنصر خارجی بیشتر دخالت دارد مطالعه کنند خواهند دید به چه سرعت و تندی پیش می روند و چه تلقین هائی بانها می شود و چه مظاهری در نظرهای خود دارند شاید بخود می آمدند.

بعقیده من هر قدر در این باب تسامح شود و تعلیم و تربیت جدی سکنه ایران عقب افتد گناه بزرگی را مرتکب شده ایم که در پیشگاه عدل الهی هیچ قابل عفو نیست حال سؤال خواهید نمود آن تعلیم و تربیت جدی چیست؟ برویم سر این موضوع.

قبل از هر اقدام باید يك عده اشخاص عالم و بصیر داشته باشید که دستگناه تعلیم و تربیت را جزاً و کلاً در اختیار آنها بگذارید و بدستور آنها اصول تعلیم و تربیت اجرا شود - اشتباه نشود مقصود این نیست اسم را تغییر دهید خیر هرگز چنین نیتی را ندارم غرض من اینست که يك عده اشخاص فاضل و عالم با اصول تعلیم و تربیت ممالک مرفقی دنیا را برای اجرای این مقصود معین کنید و آنها را آزاد بگذارید هر اندازه که وسایل اجازه می دهد بهمان میزان اسباب تعلیم و تربیت صحیح سکنه ایران را فراهم بیاورند اگر این اشخاص در ایران وجود دارند چه بهتر درینصورت فضل و علم و بصیرت هر يك جداگانه باید معلوم گردد بصرف ادعای انجام مقصود باز می مانیم .

در قدم دوم با خرج تحصیل نفی سی شاهی آنها در سال اولاد يك ملت بیست و کروری تربیت نمیشود .

باید بدانید آن مبلغ پولی که صرف تعلیم و تربیت يك ملتی میشود فقط همین مبلغ است که در آتی نفع سرشاری میتوان از آن انتظار داشت و يك ملتی فقط از این راه است که دارای تمول و ثروت و مکنت میگردد .

من ترس از آن دارم که این مقاله مطول گردد و خواننده از مطالعه آن خسته شود والا باستناد اقوال علماء تعلیم و تربیت که سخنان آنها را مانند وحی منزل میدانند برای شما ثابت مینمومد که هر مبلغی صرف تعلیم و تربیت

ملت گردد جامعه صدها برابر آنرا در آتیه نزدیک از آن استفاده خواهد برد در اینکه شرح میدهم خوب توجه کنید: هیچ به خاطر دارید در سی سال قبل اوضاع و احوال زندگانی یهودها در ایران چه بود سی سال که چیزی نیست انسان فراموش کند هر کس که سنش به پنجاه سال رسید آن اوضاع را خوب در نظر دارد. حال اوضاع و احوال زندگانی امروز آنها را مشاهده کنید می بینید تجارت در دست آنهاست ثروت در دست آنهاست و حال دارند قسمت های خوب و پاکیزه و خوش آب و هوای پایتخت را هم صاحب میشوند هیچ میدانید این تغییر از کجا ناشی شده؟ البته خواهید گفت از راه مدرسه و از برکت تعلیم و تربیت.

من به خاطر دارم درسی سال قبل يك عده معلمین یهود فرانسه بایران آمدند این معلمین در طهران - همدان و در چند شهر دیگر مدرسه باز نمودند اولاد یهودیها را بزور داخل در آن مدارس نموده تربیت کردند نتیجه آن همین است که امروز مشاهده میکنید آرامنه نیز این اصول را پیش گرفتند زردشتی ها هم پیروی نمودند در این هیچ تردیدی نیست که فردا تمام این ملل متنوعه ایران از حیث علم و دانش و معلومات چنانکه حال پیش افتاده اند باز هم پیش خواهند افتاد مگر اینکه شما نیز بخود زحمت دهید اصول صحیح اینموضوع را برقرار کنید و آنوقت از دیاد علم و دانش و ثروت را در میان ایرانی مشاهده نمائید.

بمقیده من سهولت می توان بودجه حالیه معارفی را دو برابر نمود که اقلا بهر نفری در سال ۳ قران خرج تحصیل برسد درینصورت این اشخاص بصیر دانشمند واقعی که برای اداره و اجرای صحیح اصول تعلیم و تربیت در نظر داریم بهتر میتوانند آن را عادلانه تقسیم نمایند که اقلا بطور تناسب بهر پنج هزار سکنه يك باب مدرسه ابتدائی صحیح و با اصول تعلیم و تربیت علمی دایر نمایند. قدم سوم ایجاد کتب درسی است که در حقیقت شاگرد را با معلومات گرداند. - بمقیده من تمام کتب درسی باید با اصول صحیح و از لحاظ معلومات

فنی - صنعتی و علمی نوشته شود موضوع هائی که هیچ مربوط بزندگانی آبرومند بشری نیست لزومی ندارد در کتب درسی داخل نمود.

شما ملاحظه کنید در چه زمان واقع شده اید با چه مللی سرو کار دارید و با چه دولتی هم خاک و همسایه هستید آنها مشغول چه کارند دارای چه نوع معلومات هستند قدرت و توانائی آنها تا چه درجه است پایه علمی و صنعتی آنها بچه حدی رسیده است شما امروز با این ملل طرف مراد و معامله هستید اگر بخواهید با همان اصول تعلیم و تربیت و سیرت اجدادی پیش بروید ممکن نیست آنها تمام قیود اوامع تعصبات و رسوم قدیمه را از دست و پای ملت خود برداشته اند آنها را در علم و دانش و فن و صنعت ازادانه تربیت می کنند شما با این قیود نمیدانم بکجا خواهید رسید آیا میتوانید حرکت کنید منگه مایوسم مگر اینکه تمام آنها را بمیل و رضا و رغبت از دست و پای خود بردارید و خود را جفاً برای فرا گرفتن علوم و فنون که یگانه وسیله بقای استقلال ملی ایرانی است حاضر کنید.

۵۱۶

قدم چهارم داشتن يك عده معلمین عالم با اصول تعلیم و تربیت دنیای امروز و ماهر بفن تدریس است برای این مقصود نیز باید مقیاس معین و معلوم داشته باشید که معلم مدرسه ابتدائی دارای چه معلوماتی باشد عبارت دیگر قبلاً يك مقیاس برای معلم ابتدائی قائل بشوید بعد هر ادعا کننده این فن شریف را با آن مقیاس اندازه بگیرید اگر بمقیاس شما در آمد چه بهتر اگر نیست و ندارید با تشویق و ترغیب یا بهر طریقی که ممکن است يك عده کافی تهیه کنید که بتوانند از عهده انجام وظیفه خود برآیند این قسمت ابتدائی بود قسمت های دیگر نیز از قبیل مدارس متوسطه و عالی و فوق اینها برای هر يك جداگانه معلم و کتب مخصوص و اعتبار لازم است که از تعریف و شرح آنها عاجلاً صرف نظر میشود

من مکرر برای بهبودی نسل آینده ایران فکر کرده ام که بشود يك طریق عملی اتخاذ نمود و از آتیه ایمن بود و الا بسی خطرهای سخت در دنبال است که يك روزی خواهد رسید و ملت ایران را گرفتار انواع مصائب و محن

خواهد نمود که خلاص شدن از آنها با اصول تعلیمات فعلی بنظر بس مشکل می‌آید
 امروز بهبودی نسل آینده ایران بسته بطریق و اصول تعلیم و تربیت
 صحیح و با معنی است که شما از امروز برای آتیه ملت ایران پیش بگیرید
 اگر طریق صحیح بر قرار کنید اسباب و وسائل این مقصود را طوریکه
 در ممالک بزرگ و کوچک ملل اروپائی معمول است فراهم آورید ملت
 ایران را در آینده خیلی نزدیکی سعادت‌مند نموده‌اید و الا باید بدانید که
 دستخوش حوادث روزگار خواهد گردید در این هیچ تردید نداشته باشید
 اینک ژنی‌های کم‌گشته‌ما

حال خوب می‌توانید بدانید چرا در ایران مردان فوق‌العاده و
 نابغه یا ژنی پیدا نمی‌شود و برای چه از میان سکنه ایران چنین اشخاصی
 ظاهر نمی‌گردند قبل از هر چیزی برای ظهور و پیدایش این رادمردان
 اسباب و وسائل صحیح تعلیم و تربیت لازم است که با تمام معنی برقرار
 شود و در دسترس عموم سکنه بلا شرط واقع گردد آنوقت این وجودهای
 ذی‌قیمت و گرانبها از میان کلبه‌نشین‌های ایرانی که هیچکس قبلاً تصور
 نمی‌کرد پیدا شده عالم‌پرا از استعداد و لیاقت و هوش سرشار خود بحدیرت
 خواهند انساخت هر اندازه در این باب غفلت شود بهمان میزان ظهور و پیدایش این
 اشخاص عقب خواهد افتاد و ایران از فواید بی‌شمار آنها محروم خواهد ماند.
 هیچ مملکتی خود بخود ترقی نکرده آب و خاک زمین، دشت و
 دریا هیچوقت بخودی خود آباد نمی‌گردد و با قدرت و جلال و عظمت نمی
 شود، فقط ممالک در سایه مردان فوق‌العاده و ژنی‌های بی‌مثل و مانند
 قابل ترقی است و بس، هر مملکتی که از این اشخاص نادر بیشتر بعرصه
 وجود آورد قدرت و عظمت آن بمراتب از سایرین بیشتر است در مملکتی
 این اشخاص زیادند که وسائل تعلیم و تربیت بهتر برای سکنه آن فراهم است
 پس اگر شما یعنی ایرانی هم بوجود آنها احتیاج دارد باید بدون تانیه تأمل
 و تردید اسباب و وسائل پیدایش ژنی‌های کم‌گشته را از روی نیت پاک و
 خالص بطور اکمل ایجاد کند.
 (تمام)